

## دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی  
گروه زبان انگلیسی و زبان شناسی

پایان نامه  
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته زبان شناسی همگانی

عنوان پایان نامه  
تأثیرپذیری برخی نمادهای جانوری در شاهنامه با توجه به ریشه‌های آن در  
متون آریایی

مؤلف  
یاسمن یاسی پور تهرانی

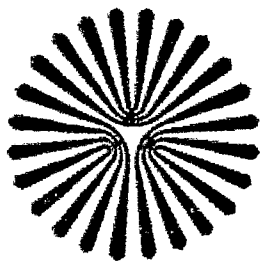
استاد راهنما  
دکتر رقیه بهزادی

استاد مشاور  
دکتر بلقیس روشن

۱۳۸۷ / ۲ / ۹ / ۹۶

اسفند ماه ۱۳۸۳

۹۵۶۴



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی  
گروه زبان انگلیسی و زبان شناسی

پایان نامه  
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در  
رشته زبان شناسی همگانی

عنوان پایان نامه  
تأثیرپذیری برخی نمادهای جانوری در شاهنامه با توجه به ریشه‌های آن در  
متون آریایی

مؤلف  
یاسمن یاسی پور تهرانی

استاد راهنما  
دکتر رقیه بهزادی

اسفند ماه ۱۳۸۳



دانشگاه پیام نور

## تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان

تاثیر پذیری برخی نمادهای جانوری در شاهنامه با توجه به ریشه های آن  
درمتون آریایی

تاریخ دفاع ۸۳/۱۲/۰۴

نمره

۱۶

درجه بسیار ضعیف

اعضای هیات داوران :

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱- سرکار خانم دکتر بهزادی	استاد راهنما	دانشیار	
۲- سرکار خانم دکتر روشن	استاد مشاور	استادیار	
۳- سرکار خانم دکتر آموزگار	استاد داور	استاد	
۴- سرکار خانم دکتر روشن	نماینده گروه	استادیار	

## تقدیر و تشکر

در اینجا وظیفه خود می دانم از راهنمایی‌ها و زحمات بی‌دریغ استاد راهنما، دکتر رقیه بهزادی و استاد مشاور، دکتر بلقیس روشن نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشم.

همچنین از کمک‌های پدر و مادر و همسر در تمامی مراحل زندگی و به ویژه در زمان تحقیق سپاسگزارم.

۱.....	فصل اول: مقدمه .....
۲.....	۱-۱- مقدمه .....
۲.....	۲-۱- اهداف، ضرورت‌ها و کاربردها .....
۳.....	۳-۱- تعاریف و توصیف‌ها .....
۳.....	۱-۳-۱- اسطوره .....
۷.....	۲-۳-۱- نمادهای اسطوره‌ای در فرهنگ‌های گوناگون .....
۱۱.....	فصل دوم: پیشینه تحقیق در زمینه شاهنامه .....
۲۵.....	فصل سوم: چارچوب نظری .....
۲۶.....	۱-۳- مقدمه .....
۲۶.....	۲-۳- نشانه‌شناسی .....
۴۱.....	۳-۳- نشانه‌شناسی بارت و اسطوره‌شناسی .....
۴۶.....	فصل چهارم: بررسی نمادهای جانوری .....
۴۷.....	۱-۴- مقدمه .....
۴۷.....	۲-۴- نماد مار و اژدها .....
۴۷.....	۲-۴-۱- بررسی نماد مار و اژدها در متون آریایی .....
۵۱.....	۲-۴-۲- بررسی نماد مار و اژدها در شاهنامه .....
۵۹.....	۲-۴-۳- بررسی نماد مار و اژدها در سایر تمدن‌ها .....
۶۵.....	۲-۴-۳- نماد عقاب و سیمرغ .....
۶۵.....	۱-۳-۴- بررسی نماد عقاب و سیمرغ در متون آریایی .....
۶۸.....	۲-۳-۴- بررسی نماد عقاب و سیمرغ در شاهنامه .....
۷۳.....	۳-۳-۴- بررسی نماد عقاب و سیمرغ در سایر تمدن‌ها .....
۷۵.....	۴-۴- نماد میش و گوسفند .....
۷۵.....	۱-۴-۴- بررسی نماد میش و گوسفند در متون آریایی .....
۷۹.....	۲-۴-۴- بررسی نماد میش و گوسفند در شاهنامه .....
۸۳.....	۳-۴-۴- بررسی نماد میش و گوسفند در سایر تمدن‌ها .....
۸۸.....	۵-۴- نماد گاو .....
۸۸.....	۱-۵-۴- بررسی نماد گاو در متون آریایی .....
۹۲.....	۲-۵-۴- بررسی نماد گاو در شاهنامه .....
۱۰۲.....	۳-۵-۴- بررسی نماد گاو در سایر تمدن‌ها .....
۱۰۵.....	۶-۴- نماد اسب .....

۱۰۵	۴-۶-۱- بررسی نماد اسب در متون آریایی
۱۰۹	۴-۶-۲- بررسی نماد اسب در شاهنامه
۱۱۸	۴-۶-۳- بررسی نماد اسب در سایر تمدن‌ها
۱۲۱	۴-۷-۷- نماد خروس
۱۲۱	۴-۷-۱- بررسی نماد خروس در متون آریایی
۱۲۳	۴-۷-۲- بررسی نماد خروس در شاهنامه
۱۲۵	۴-۷-۳- بررسی نماد خروس در سایر تمدن‌ها
۱۲۶	فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۱۲۷	۵-۱- نتیجه‌گیری
۱۲۸	۵-۲- پیشنهادات
۱۲۹	مراجع
۱۴۱	واژه‌نامه
۱۴۵	ABSTRACT

۲۹.....	شکل ۱: مثلث نشانه شناسی [۸۱].....
۵۲.....	شکل ۲: نبرد فریدون و ضحاک ماردوش.....
۵۵.....	شکل ۳: کشتن رستم ازدها را.....
۷۰.....	شکل ۴: آوردن سیمرغ زال را به نزد سام.....
۸۵.....	شکل ۵: در آوردن رستم بیژن را از چاه.....
۸۷.....	شکل ۶: جنگ رستم و سپهراب.....
۹۵.....	شکل ۷: برداشتن بهرام گور تاج را از میان دو شیر.....
۱۰۱.....	شکل ۸: نبرد رستم و اسفندیار.....
۱۱۱.....	شکل ۹: گذر سیاوش بر آتش.....
۱۱۴.....	شکل ۱۰: گرفتن رستم رخس را.....

نام خانوادگی دانشجو: یاسی پور تهرانی نام: یاسمن

عنوان پایان‌نامه: تأثیرپذیری برخی نمادهای جانوری در شاهنامه با توجه به ریشه‌های آن در متون آریایی

استاد راهنما: دکتر رقیه بهزادی

استاد مشاور: دکتر بلقیس روشن

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

رشته: زبان‌شناسی همگانی گرایش:

دانشگاه: پیام نور

دانشکده: زبان انگلیسی و زبان‌شناسی

تاریخ فارغ‌التحصیلی: اسفندماه ۱۳۸۳

تعداد صفحه: ۱۵۶

شماره ثبت:

کلید واژه‌ها: اسطوره، کهن‌الگوهای ناخودآگاه، نشانه‌شناسی، نماد جانوری و دلالت.

### چکیده

موضوع این پایان‌نامه میزان تأثیرپذیری برخی نمادهای جانوری در شاهنامه با توجه به ریشه‌های آن در متون آریایی است. هدف از این تحقیق، بررسی این نمادها در شاهنامه از دیدگاه نشانه‌شناسی است. پیکره اصلی این پایان‌نامه در پنج فصل تنظیم شده است: در فصل اول که مقدمه نام دارد هدف تحقیق، سؤالات و فرضیات تحقیق و روش تحقیق ذکر شده است. در فصل دوم پیشینه تحقیق در زمینه شاهنامه ذکر شده است. در فصل سوم چارچوب نظری پایان‌نامه ذکر شده است. این پایان‌نامه بر اساس چارچوب نظری نشانه‌شناختی بارت و دلالت اسطوره‌ای قرار گرفته است. در فصل چهارم که عمده‌ترین قسمت پایان‌نامه است، نمادهای جانوری که نوعی نشانه‌اند در متون آریایی، شاهنامه و سایر تمدن‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در فصل پنجم نتیجه‌گیری و پیشنهاداتی برای تحقیقات بعدی ارائه شده است. در



قسمت واژه‌نامه، معنی واژه‌های کهن ایرانی که در این پایان‌نامه ذکر شده‌اند، ارائه شده است. اشعار شاهنامه‌ای ذکر شده در این پایان‌نامه، بر اساس کتاب دوجلدی شاهنامه چاپ مسکو است. با توجه به شواهد جمع‌آوری شده در خصوص ریشه‌های اوستایی و پهلوی برخی نمادهای جانوری در شاهنامه نتیجه‌گیری می‌کنیم که این نمادها تحت‌تأثیر ریشه‌های خود در متون آریایی بوده‌اند. انتخاب این موضوع تحقیق، به دلیل اهمیت این طرح تحقیقاتی برای درک بهتر مفاهیم نمادین در اشعار شاهنامه از طریق مراجعه به متون کهن ایرانی است.

### پیشگفتار

انتخاب موضوع تحقیق با عنوان *تأثیرپذیری برخی نمادهای جانوری در شاهنامه با توجه به ریشه‌های آن در متون آریایی*، به دلیل علاقه نگارنده به درک بهتر مفهوم اشعار فارسی و به ویژه *شاهنامه* است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز این تحقیق به کتابخانه‌های مختلف به ویژه کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی مراجعه شده است. در گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای فیش‌برداری استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از نظریه نشانه‌شناختی بارت استفاده شده است. بر این اساس نمادهای جانوری در حکم نوعی نشانه تلقی شده‌اند.

در این پایان‌نامه از دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی استفاده شده است. نگارش این پایان‌نامه بدون یاری و راهنمایی بزرگانی که ذکر تک‌تک آنان در این مختصر مقدور نیست، هرگز میسر نبوده است. اما بیش از همه از راهنمایی‌های دکتر بهزادی و دکتر روشن بهره بسیار برده شده است.

فصل اول: مقدمه

## ۱-۱- مقدمه

در این فصل علاوه بر ذکر اهداف، ضرورت‌ها و کاربردهای پایان‌نامه به ذکر سؤالات، فرضیات و روش تحقیق نیز خواهیم پرداخت. در ادامه به ساختار کلی پایان‌نامه اشاره‌ای خواهیم داشت.

## ۱-۲- اهداف، ضرورت‌ها و کاربردها

در این پایان‌نامه در هر بخش متن اصلی، ابتدا ریشه‌های یکی از نمادهای جانوری در متون کهن آریایی مورد بررسی قرار گرفته است. به این صورت که ریشه‌های اوستایی و پهلوی آن و اسطوره‌های آریایی مرتبط با آن که در متون کهن آریایی نقل شده‌اند، ارائه شده است. سپس کاربرد نمادین آن جانور در شاهنامه شناسایی شده و در پایان به مقایسه کوتاه آن نماد در سایر تمدن‌ها، مانند تمدن بین‌النهرین، مصر و یونان پرداخته شده است که نتیجه آن آگاهی از تأثیرپذیری برخی فرهنگ‌ها از مفاهیم نمادین فرهنگ‌های دیگر خواهد بود. گاهی نیز با تفاوت اساسی مفاهیم نمادین در بین فرهنگ‌های مختلف مواجه می‌شویم.

با مطالعه این پایان‌نامه، به جانورانی برمی‌خوریم که ورای ویژگی‌های معمولی خود نقش مهمی در نجات و پیروزی قهرمان‌های داستان‌های شاهنامه دارند و این در واقع، به جنبه اسطوره‌شناختی این جانوران باز می‌گردد. در نتیجه، این جانوران به صورت نمادین به کار رفته‌اند و تنها به معنی تحت‌اللفظی آنها توجه نشده است.

در این تحقیق برخی اسامی جانوری در شاهنامه از نظر کاربرد نمادین و جنبه اسطوره‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای درک مفهوم این اسامی نمادین در متون ادبی فارسی مانند شاهنامه، لازم است که به

ریشه‌های آنان در متون کهن و اسطوره‌ای آریایی مراجعه کرد. با دقت در متون کهن آریایی مانند متون اوستایی و پهلوی، چگونگی جنبه تقدس یا نامقدس بودن این نمادها برای ما روشن می‌شود.

جنبه نوآوری تحقیق در این است که بررسی جنبه اسطوره‌شناختی برخی نمادهای جانوری در شاهنامه، از نقطه نظر نشانه‌شناسی انجام گرفته است. در هیچ یک از تحقیقات انجام شده، به جنبه اسطوره‌شناختی نمادهای جانوری در شاهنامه از منظر نشانه‌شناختی پرداخته نشده است.

این پایان‌نامه می‌تواند در دانشگاه‌ها و مراکزی که به امر پژوهش یا آموزش در زمینه ادبیات فارسی، ادبیات تطبیقی، نشانه‌شناسی و یا تحلیل متن می‌پردازند، مورد استفاده قرار گیرد.

### ۱-۳- تعاریف و توصیف‌ها

#### ۱-۳-۱- اسطوره

دنیا جایی است که در آن تقابل‌های دوگانه مثل خیر و شر، روز و شب معنی پیدا می‌کند. در نتیجه، ما همواره بر حسب تقابل‌ها فکر می‌کنیم اما خداوند فراتر از تقابل‌های دوگانه است زیرا از دیدگاه اسطوره‌شناسی، ورای این دوگانگی نوعی یگانگی وجود دارد. بنابراین مایه اسطوره‌شناختی اولیه و آغازین این است که همه چیز در اصل یکی بوده است و سپس جدایی رخ داده است مثل آسمان و زمین، نر و ماده و غیره، و این جدایی به دلیل ذهن و قدرت تفکر ماست. منشأ زندگی فانی (تولد و مرگ)، جاودانگی است. اسطوره به امر متعالی یعنی فراتر رفتن از دوگانگی اشاره دارد. در واقع، باغ بهشت استعاره‌ای است که اشاره به فراسوی زمان و تقابل‌ها دارد. در اسطوره‌شناسی نیرویی هماهنگ‌کننده وجود دارد که فرد را با جامعه و طبیعت یگانه می‌کند و دوگانگی‌ها را از بین می‌برد.

در روزگاران کهن، اسطوره‌ها و آیین‌ها حاکی از فرستادگان حیوانی بودند که از طرف قدرت الهی برای هماهنگ کردن ذهن با جسم و شیوه زندگی با نیازهای طبیعی (مثل خوردن) فرستاده می‌شدند. در اسطوره‌ها از شکار به عنوان نوعی رابطه بین دنیای حیوانی و انسانی سخن به میان آمده است. در این اسطوره‌ها حیوان صید شده به منزله دوست و فرستاده خداست. در آیین‌های قربانی کردن حیوانات و مراسم شکار، مردم از حیوان به عنوان یک دوست برای همکاری متقابل تشکر می‌کنند. در آیین‌های سپاسگزاری به حیوانی که شکار شده است، احترام می‌گذارند. حتی فراتر از این، به فرمانبرداری در مقابل الهام‌های حیوان می‌پردازند.

اسطوره مستقیماً به مراسم و آیین‌های قبیله‌ای مربوط می‌شود و هر آیین، اجرای یک اسطوره است. در اسطوره، ما از زمین گذر می‌کنیم و وارد قلمرو صور خیال اسطوره‌شناختی می‌شویم، یعنی قلمرو خداوند و جایگاه قدرت الهی. در گذشته، برای زنده نگهداشتن اسطوره روی دیوارها نقاشی می‌کردند و آیین‌ها را اجرا می‌نمودند. در فرهنگ‌های غارنشینی و ابتدایی نقش‌پردازان معادل شاعران امروز ما بودند. امروز برای زنده نگهداشتن اسطوره باید از هنرمندان کمک گرفت. آنان محیط زندگی و جهان را اسطوره‌ای می‌کنند.

از وجوه اساسی بشر، حس حضور آفرینش در گیاهان و جانوران و محیط اطراف است و به همین دلیل مردم با آفریدن محوطه‌های مقدس و با اسطوره‌ای کردن حیوانات و گیاهان و اعطا کردن قدرت‌های معنوی به این مکان‌ها، یک معبد برای مراقبه می‌ساختند. انسان همواره به شخصی کردن تجربه‌های خود در خصوص زیبایی و شگفتی هستی و طبیعت گرایش داشته است و نیروهای طبیعی را به شکل انسان یا حیوان تصور کرده است. در نقاشی‌های اسطوره‌ای، حیوانات ارزش خاصی دارند. این حیوانات هیأت طبیعی ندارند، بلکه در قالبی سبک‌دار و دارای خصوصیات روحی می‌باشند. در وجود آنان حکمتی نهفته است و روح مقدس در آنان جاری است.

اسطوره، الهام‌بخش تحقق کمال و تجلی کامل قدرت است و نور خورشید را به جهان هدیه می‌کند. کشتن هیولا و اژدها در واقع کشتن تاریکی‌هاست. اژدها نماد مقید بودن شخص به منیت خود است. ما در قفس اژدهای نفس اسیر هستیم و با خرد کردن این اژدها می‌توانیم شخصیت خود را در عرصه وسیع‌تری از مناسبات گسترش دهیم. اژدهای درون، همان وابستگی‌های دنیوی و قید و بندهایی است که در زندگی برای خود وضع می‌کنیم. اژدهای غرب، حرص و آز است.

بر خلاف برخی نظریه‌ها، اسطوره‌شناسی دروغ نیست، بلکه شعر و استعاره است. اسطوره‌شناسی، حقیقت ما قبل آخر است به این دلیل که حقیقت غایی را نمی‌توان به قالب کلمات ریخت زیرا ورای کلمات و تصورات ذهنی است و اسطوره آن حقیقت غیرقابل بیان را به ما می‌شناساند. اسطوره‌ها به ماورای طبیعت اشاره دارند. خداوند غایی‌ترین انگاره اولیه بشر است و ما همه به هیأت خداوند آفریده شده‌ایم. این کهن‌الگوی غایی بشر است. به گفته یونگ [۷۷]:

انگاره‌های اسطوره، بازتاب امکانات معنوی ما انسان‌هاست و با تامل کردن در باب این انگاره‌ها، قدرت آن‌ها را به درون زندگی خویش منتقل می‌سازیم.

ژوزف کمبل<sup>۱</sup> [۵۷] می‌گوید:

اسطوره‌ها سرخ‌هایی برای امکانات معنوی زندگی بشرند.

با توجه به این جمله می‌توان گفت که آنچه در ذهن انسان‌ها مشترک است از جستجو برای حقیقت و معنی، در اسطوره بازتاب دارد و با بازگشت به ذهن می‌توان پیام نموده‌ها را دریافت. اسطوره‌های تمدن‌های مختلف مثل تمدن آریایی و سومری و غیره متعلق به فرهنگ‌های مختلف هستند و بسته به کاربرد قوم‌های

<sup>۱</sup> Joseph Campbell

مختلف که با زبان‌های مختلف تکلم می‌کنند با اندکی اختلاف جلوه‌گر می‌شوند و زمان در آنها راه ندارد. یونگ<sup>۱</sup> [۷۷]، تجربه‌های درونی یکسان در انسان‌ها و اندیشه‌های مشترک در اسطوره‌ها را کهن‌الگوهای ناخودآگاه<sup>۲</sup> می‌نامد. این کهن‌الگوهای مشترک در سراسر جهان و در مقاطع تاریخی مختلف در هیأت‌های گوناگون و با تفاوت‌های سطحی ظاهر می‌شوند که این امر نتیجه شرایط محیطی و تاریخی است. اسطوره همواره پیوند تنگاتنگی با فرهنگ و زمان و مکان داشته است و در غیر این صورت آن نمادها تا کنون در قالب هنرها زنده نمی‌ماندند و تداوم نمی‌یافتند.

به اعتقاد یونگ [۷۷]، اسطوره از ناخودآگاه سرچشمه می‌گیرد و ما باید به اسطوره، با دید استعاره‌ای و ضمنی بنگریم و نباید آن را لفظی و عینی تلقی کنیم. شعر نیز زبانی استعاره‌ای است. واقعیت مندرج در یک نماد و استعاره باید تجربه شود و توسط اسطوره القاء گردد و این واقعیت، بیش از حقیقت موجود در یک واژه است. اسطوره‌شناسی آنچه را پشت ادبیات و هنر نهفته است آشکار می‌سازد و با ما از موضوعی بزرگ، هیجان‌انگیز و حیات‌بخش زندگی سخن می‌گوید، در نتیجه، احترام ما به برخی نمادها به دلیل نقش اسطوره‌شناختی آنهاست. به عنوان مثال، در فرهنگ یونان، عقاب، پرنده زئوس<sup>۳</sup> و نماد اصل تجسم خداست. اسطوره‌شناسی به هنر و شعر الهام می‌دهد و زادگاه قریحه‌های هنری و شعری است. در شعر، کلمات در قالب اعمال و ماجراها بیان می‌شوند و دلالت بر جنبه‌ای متعالی از ماجراها دارند تا احساس هماهنگی و همنوایی با هستی کیهانی را به ما عرضه کنند.

انسان‌ها امروز همانند انسان‌های هزاران سال قبل از اندام‌ها، نیروها و تجربه‌های یکسانی برخورداریم و به همین دلیل، به انگاره‌های یکسانی پاسخ می‌دهیم. یکی از انگاره‌های ثابت کشاکش بین عقاب و مار است که نمادی از درگیری بین نیروهای مادی و معنوی است و همه ما آن را تجربه کرده‌ایم. انگاره خیر و شر در

<sup>۱</sup> Yung

<sup>۲</sup> Subconscious ancient pattern

<sup>۳</sup> zeus



اسطوره‌شناسی یا زندگی به مثابه کشاکش بین نیروهای تاریکی و روشنایی است که منشأ در دین زرتشت دارد. این انگاره‌های اسطوره‌ای ناخودآگاه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. زیرا از راز دقیق طبیعت و درون ما سخن می‌گویند. اسطوره‌ها به ما کمک می‌کنند پیام‌های جهان را بخوانیم. یکی از موضوعات اسطوره‌ای این است که در اعماق تاریکی لحظه رستگاری و نور فرا می‌رسد و این آگاهی‌ها را اسطوره به ما عرضه می‌دارد. به عنوان مثال در داستان یونس در شکم ماهی، نهنگ نماینده قدرت زندگی است که در ضمیر ناخودآگاه اسیر شده است. از دیدگاه استعاره‌ای آب همان ناخودآگاه است و موجودی که در آب است انرژی ناخودآگاه است که شخصیت خودآگاه را محاصره کرده و باید مغلوب شود و به کنترل درآید.

### ۱-۳-۲- نمادهای اسطوره‌ای در فرهنگ‌های گوناگون.

در گذشته حیوانات با انسان‌ها برابر و حتی برتر از آنان بودند. زیرا تصور می‌شد که آنها نیروهایی فراتر از انسان دارند. روح، گونه‌ای از حیوان و به منزله آموزگار و رهنمود انسان‌ها بوده است. از نظر مردمان شکارگر، حیوان از بسیاری جهات از انسان برتر است، مثلاً در آغاز آفرینش حکمت در اختیار حیوان بود و خداوند حیوان را فرستاد تا انسان را راهنمایی کند و خود را از طریق جانوران نشان داد. انگاره خداوند همواره مقید به فرهنگ است و در هر فرهنگی بسته به شرایط جغرافیایی که در شکل دادن به تصور مردم از الوهیت مؤثر است، انگاره‌ای خاص از خدا به وجود می‌آید و رواج می‌یابد به طوری که مثلاً خدای بیابان نمی‌تواند همان خدای دشت باشد. به عنوان مثال، در دنیای کشاورزی بین‌النهرین باستان، کنار رود نیل مصر و سایر نظام‌های فرهنگی زراعی، الهه، صورت اسطوره‌ای غالب است. ولی در تصورات روحی، معنوی و اجتماعی، الوهیت در قالب مذکر متجلی می‌شود [۵۷].

در غارها، نگاره‌های معنوی به صورت حیوان هستند ولی باید فراتر از تصویر حیوان، به پیام آن توجه کرد. پیام غارها نوعی رابطه زمان و انسان با قدرتهای ازلی است که باید به نوعی در آن مکان خاص تجربه

شود. در این غارها تصاویر شکار از احترام به حیوانات و از شکار آنان بنا بر آیین خاص سخن می‌گوید. این غارها در واقع معابد آیینی انسان کهن بوده‌اند.

اسطوره تجلی‌انگاره‌های نمادین و استعاره‌ای است. مار در اغلب فرهنگ‌ها پدیده‌ای مثبت شمرده می‌شود. در هند، سمی‌ترین مارها، یعنی مار کبرا، مقدس شمرده می‌شود. مار نماینده قدرت حیات است و جاودانه زندگی می‌کند و جهان چیزی جز پوستی که می‌اندازد نیست. مار در سنت سرخپوستان آمریکا مورد احترام و درستی است. در سنت چینی، مار مانند آب جریان دارد و لذا اهل آب است ولی زبانش مرتباً مثل شعله آتش می‌درخشد. در نتیجه در مار دو ویژگی متضاد در کنار هم وجود دارد.

در داستان‌های مسیحی، مار اغواکننده است و گناه را به جهان می‌آورد. زیرا در بهشت که زمان و مرگ و زندگی معنی نداشته است مار با نشان دادن سیبی، خیر و شر را به انسان می‌شناساند و باعث هبوط او به جهان خاکی می‌شود.

در اسطوره‌شناسی مصر، الهه آسمان به صورت یک گاو مقدس تجلی داده شده است. ولی در فرهنگ‌های بعدی، الوهیت در هیات آدمی ظهور می‌کند و نقاشی‌های کلیسا گواه بر این مطلب است [۵۷].

در دوران‌های گذشته هدف زندگی، زیستن با آگاهی همیشگی از اصل معنویت بود. در مدخل قصرهای آشوری تندیس‌های مرکب حیوانی وجود داشت که دارای سر انسان، بدن شیر، بال‌های عقاب و پاهای گاو بود. این تندیس‌ها به عنوان چهار عنصر از بروج دوازده‌گانه به شمار می‌رفتند که کنار هم قرار گرفته و از دروازه‌ها پاسداری می‌کردند. این چهار حیوان همان‌هایی هستند که در سنت مسیح به چهار نویسنده انجیل تبدیل می‌شوند. در دعای مسیحی گفته می‌شود:

متی، مرقس، لوقا و یوحنا، بستری را که در آن می‌خوابم برکت دهند.

در این دعا شما در وسط و جایی که مسیح حضور دارد هستید و چهار گوشه اطراف شما چهار گوشه بستر هستند. در اینجا عدد چهار نشان‌دهنده حجاب مکان- زمان یا پوشاننده جاودانگی‌اند و مسیح از فراسوی مکان- زمان ظهور می‌کند. در اساطیر، جهان همان الوهیت است و طبیعت، مقدس شمرده می‌شود [۵۷].

در فرهنگ‌های کهن، نوعی قهرمان نمونه وجود دارد که هیولاها را به قتل می‌رساند. این ماجرا مربوط به دوران پیش از تاریخ است، هنگامی که انسان در محیطی خطرناک و توحشی شکل ناگرفته به دنیای خود شکل می‌بخشید، قهرمان محسوب می‌شد. در این سفرها، گاهی شخص به کشتن اژدها و یا گذر از آستانه‌ها و پشت سر گذاشتن نوعی وضعیت بحرانی می‌پردازد.

به عنوان مثال در داستان غربی که اژدها نمادی از حرص و آز است، دو شخص با نام‌های زیگفرید و جرج قدیس اژدها را به قتل می‌رسانند. ولی زیگفرید پس از کشتن اژدها خون او را می‌چشد تا چیزی از قدرت اژدها را کسب کند. در نتیجه قادر به شنیدن آوای طبیعت می‌شود. یعنی، انسانیت او تعالی می‌یابد و با قدرت‌های طبیعی پیوند دوباره برقرار می‌کند [۶۰]. این مضمون نیز مانند بسیاری مفاهیم و انگاره‌ها با گذشت زمان تکامل می‌یابد. امروزه در داستان‌هایی مانند جنگ ستارگان، هیولاها در قالب انسان‌هایی مهیب با لباس‌های رعب‌آور تجلی می‌کنند.

در داستان‌های غربی اژدها چیزهایی را برای خود جمع‌آوری و از آن‌ها در غاری که در آن مخفی است نگهبانی می‌کند و نشانی از سخاوت وجود ندارد. از سوی دیگر، اژدهای چینی موجودی دوست‌داشتنی است که از آب بیرون می‌آید و هدیه بزرگ سخاوت آب‌ها را به ارمغان می‌آورد.

در متون کهن دینی ایران باستان که منبع اساطیر ایرانی می‌باشند، نبرد بین خیر و شر اساس دوام ادوار جهان است. با توجه به این که نمادها اساس اساطیر می‌باشند، نتیجه می‌گیریم که جانوران نمادین که

در متون اسطوره‌ای، و به تبع آن، در متون ادبی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، به نیروهای خیر و شر اشاره دارند.

برخی اسامی جانوری موجود در شاهنامه جنبه نمادین دارند و از متون اسطوره‌ای آریایی نشأت می‌گیرند و این امر نشانه تقدس این جانوران نزد ایرانیان باستان است. با توجه به متون باستانی درمی‌یابیم که گاهی نیروهای ایزدی به شکل این جانوران متجلی می‌شوند. بازمانده این تقدس در متون ادبی و اذهان ایرانیان باعث شده است که وجود خود این جانوران در داستان‌ها و حتی تصاویر و مجسمه‌های آنان جنبه نمادین پیدا کند و ذهن ما را به دنیای افسانه‌ها بکشاند. تا جایی که در تملک داشتن و یا برخورد با این جانوران نیز رنگی از تقدس پیدا می‌کند.

در فرهنگ ایرانی، برخی افراد بر اساس پرندگان و نقش کارهایشان تفال می‌زدند. اگر هنگام تفال پرنده‌ای که در حال خوردن دانه بود، دانه از دهانش می‌افتاد دلیل بر عدم موفقیت در کارها، و چنانچه دانه بر دهان می‌گذاشت دلیل بر موفقیت در کارها بود.